

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیانیه عالم بزرگوار، عطاء بن خلیل ابوالرشته، امیر حزب التحریر به مناسبت یادبود از یکصد و دومین سالروز سقوط دولت خلافت

(ترجمه)

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه ومن والاه وبعد:

خطاب به امت اسلامی به صورت عام و خطاب به حاملین دعوت برای اعاده خلافت راشده به صورت خاص!

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

یکصد و دو سال قبل در چنین روزی، یعنی در 28 رجب 1342 هـ.ق موافق با 3 مارچ 1924 م، کفار استعمارگر به رهبری بریتانیای وقت و با همکاری خائنان عرب و ترک موفق شدند دولت خلافت را نابود کنند. مصطفی کمال با ملغا اعلام نمودن خلافت در استانبول و محاصره خلیفه و اخراج وی در سحرگاهان آن روز، مرتکب جنایت کفر بواح، "آشکارا" گردید و به این ترتیب، سقوط خلافت مصیبتی بس درآور بود که سرزمین‌های مسلمانان را فراگرفت.

مسئولیت و وجبیه مسلمانان در آن زمان این بود که با شمشیر به جنگ مرتکب کفر آشکار بر می‌خواستند؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث متفق علیه به روایت عباده بن صامت رضی الله عنه فرمود:

«وَأَنْ لَا تُنَازِعَ الْأَمْرَ أَهْلَهُ إِلَّا أَنْ تَرَوْا كُفْرًا بَوَاحًا عِنْدَكُمْ مِنَ اللَّهِ فِيهِ بُرْهَانٌ»

ترجمه: و این‌که در برابر حکام نزاع نکنیم؛ مگر این‌که کفر بواح، "آشکاری" از آنان ببینیم که در مورد آن از جانب الله دلیلی داشته باشیم.

اما امت اسلامی اقدام به کاری نمود که آن مجرم و همکارانش را تکان شدیدی داده و آنان را سر جای شان بنشانند؛ بل واکنشی‌که در برابر وی صورت گرفت، بسیار ضعیف بود! این‌جا بود که تاریخ امت تیره و تار گردید؛ زیرا پس از آن‌که خلافت، دولت حق و عدالت امت اسلامی را تشکیل می‌داد، اینک آن دولت به بیش‌تر از پنجاه دولت تقسیم گردیده و حکام این دولت‌ها به شدت از یکدیگر متنفر می‌باشند؛ در حدی‌که حتی زلزله‌یی‌که در نیمه‌ ماه جاری در سوریه و ترکیه رخداد، با وجود شدتی‌که داشت، باز هم نتوانست جدایی را از میان آنان برداشته و آنان را در قالب دولت واحدی وحدت ببخشد؛ بلکه قبل و بعد از زلزله همچنان پراکنده بوده و هرگز پند نگرقتند:

﴿أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ﴾ [توبه: 126]

ترجمه: آیا نمی‌بینند که آنان در هر سال، يك يا دو بار آزمایش می‌شوند؛ اما نه توبه می‌کنند و نه پند می‌گیرند.

اما باوجود همه، زلزله مذکور نشان داد که اسلام در اعماق عموم مسلمانان همچنان ریشه دارد؛ چنانچه درحالی‌که برادران شان را از زیر آوار نجات می‌دادند، فریاد "الله اکبر" سر می‌دادند؛ مخصوصاً زمانی‌که سعی می‌کردند آن نوزادی را نجات دهند که مادرش پس از ولادت وی در زیر آوار جان داده بود... و یا آن‌که زیر ویرانه‌های منزل خویش دفن گردیده بود و دست‌اش در حالی‌که ظاهر بود، تسبیحی را حمل می‌نمود که با آن سبحان الله می‌گفته... و یا زمانی‌که سعی داشتند، زنی را از زیر ویرانه‌های یک ساختمان نجات دهند و او پیش از آن‌که از زیر آوار بیرون آید، پارچه‌ای می‌خواست تا با آن سرش را بپوشاند، می‌داد موی سرش دیده شود... و یا آن کسی را که زیر ساختمان ویرانی گیر مانده بود و وقتی صدایش کردند که می‌خواهند نجات‌اش دهند، او از آنان خواست تا قبل از بیرون آوردنش مقداری آب برای او بفرستند تا نمازش را اداء کند، می‌داد و وقت نماز بگذرد... و یا آن مردی را که سعی داشتند از میان ویرانه نجاتش دهند، متوجه شدند که سرگرم تلاوت سوره بقره است... و یا آن دختری‌که وقتی تلاش داشتند او را بیرون بکشند، ناراحت بود که نتوانسته نمازهای آن روز را اداء کند... در جریان تمام این صحنه‌ها، فریاد تکبیر طنین‌انداز بود.. الله اکبر!

آری! آنان مسلمانان اند، از الله ذوالجلال برای هر مسلمانی که در جریان این زلزله جان داده، طلب رحمت می‌کنیم و امیدواریم به اذن الله متعال در زمره شهدای آخرت محشور گردند! همچنین از او تعالی می‌طلبیم تا مجروحین را شفای عاجل و کامل عطاء نماید و الله عزوجل آن عده از مسلمانانی را که جان سالم به در برده اند، کمک و یاری نماید و زندگی پاکی را برای آنان رقم زند تا بقیه زندگی خویش را در طاعت الله و رسولش سپری نمایند!

این بود گوشه‌ای از واقعت مسلمانان و آن هم گوشه‌ای از واقعت حکام سرزمین‌های مسلمانان، که نشان می‌دهد مسلمانان و حکام‌شان به سان شرق و غرب از یک‌دیگر فاصله دارند. تمام این فاصله در جریان این یکصدودو سالی شکل گرفته که از مصیبت بزرگ فروپاشی خلافت می‌گذرد! سپس کفار استعمارگر با استفاده از نبود دولت خلافت، مصیبت دردناک دیگری را به پیکر امت وارد نمودند؛ آنگاه که در سرزمین مقدس، که سرزمین اسراء و معراج رسول الله صلی الله علیه وسلم است، برای یهودیان دولتی برپا نمودند و برای بقای آن از هیچ‌نوع کمک و یاری دریغ نکردند. نخستین کمکی که برای بقای آن انجام دادند، آنست که امنیت آن را توسط حکام مزدور در اطراف آن تأمین کردند؛ طوری که در برابر یهود صورت می‌گرفت، حکام مذکور شکست را منقبتل می‌شدند و در نتیجه، تصویری از دولت یهود ارائه دادند که برخلاف تصویری است که الله سبحانه و تعالی از آنان ارائه نموده است، آن‌جا که می‌فرماید:

**(وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ) [بقره: 61]**

ترجمه: و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد.

حکام مزدور به این هم اکتفاء نکردند، بلکه با تمام توان سعی نمودند قضیه سرزمین مقدس را از محور رژیم یهود به گفتگو با آن تغییر دهند تا شاید بتوانند آن را راضی کنند و از بخشی از مناطقی که در سال 1967م اشغال نموده بود، بیرون رود.

دولت یهود پس از آن همواره بدترین جنایت‌ها را در فلسطین مرتکب می‌شود! کشتار بسی خونین منطقه جنین، که به تاریخ 26 جنوری 2023م رخ داد، گویای روشن این مدعاست؛ آنگاه که اردوی تا به دندان مسلح رژیم یهود به اردوگاه جنین هجوم بردند و کشتاری را مرتکب گردیدند که منجر به شهادت نه تن گردید. در جریان این هجوم از هیچ‌گونه جنایتی دریغ نکردند؛ کشتند، دیوار را بالای مجروحین ویران نمودند و با موترهای زرهی خویش مردم را زیر گرفتند؛ سپس با هجوم به منطقه نابلس و اردوگاه عقبه جبر به تجاوز آشکار خویش ادامه دادند و در آنجا نیز کشتند و مجروح نمودند. تمام این جنایت‌ها صورت گرفت؛ اما هیچ تحرکی از حکام موجود در سرزمین‌های مسلمانان برای نجات آنان دیده نشد. بزرگترین کاری را که یکی از پیشگامان این حکام انجام داد، این بود که اعلام نمود حاضر است میان جنایت‌کار و کسی که بر او جنایت صورت گرفته، وساطت کند!

وای بر این حکام خائن، که بسی بی‌خرد و بسی بزدل اند! آنان در فرومایه‌گی از این هم فراتر رفته و با بی‌شرمی کامل، به سرعت با عادی‌سازی روابطشان با یهود موافقت نموده و مرتکب چنین جنایت بزرگی می‌شوند؛ چنانچه پس از آن که حکام مصر راه این ذلت و فرومایه‌گی را پیمودند، سازمان کشورهای عرب و حکام هر یک از اردن، امارات، بحرین و المغرب نیز مصر را در این جنایت دنبال نمودند و اینک سودان نیز قصد دارد در این جنایت به آنان بپیوندد؛ چنانچه برهان، رئیس‌جمهور سودان از ایلی کوهین، وزیر خارجه یهود به تاریخ 2 فبروری 2023م در خرطوم، پایتخت سودان برای بحث و بررسی عادی‌سازی روابط، استقبال نمود! حکام مزدور سرزمین‌های مسلمانان بدون اندکی توجه به ذلت و خواری که آنان را احاطه نموده، دست به چنین جنایت بزرگی می‌زنند:

**(سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ) [انعام: 124]**

ترجمه: به زودی مجرمان را الله خوار سازد و عذابی سخت به واسطه مکری که می‌اندیشیدند، بر آنان فرو فرستد.

تعجب‌آور این‌که هرباری که رژیم یهود دست به جرم و جنایت جدیدی می‌زند، فردای آن روز و یا در همان روز، جنایت رهبران یهود در آغوش حکام عرب و یا در دیدار با آنان به سر می‌برند؛ چنانچه نتانیاهو اندکی پیش از وقوع جنایت اردوگاه "جنین"، مهمان قصر حکومت اردن بود! در جریان جنایتی که در "جنین" رخ می‌داد، حکومت موجود در فلسطین سرگرم

هماهنگی امنیتی با یهود و به رسمیت شناختن آن بود؛ زیرا نگران بود که مبدا رژیم یهود روند هماهنگی‌های امنیتی را پس از انجام جنایاتش متوقف نماید و چنین هم کرد! اما تعجب‌آورتر و شگفت‌انگیزتر از همه این‌که وقتی یکی از قهرمانان فلسطین برای دفاع از سرزمین و مردم خویش دست به کار شده و در یک عملیات قهرمانانه‌ای در قدس، هفت تن از یهودیان را پس از کشتار جنین به قتل می‌رساند، حکام سرزمین‌های مسلمانان فوراً شروع به تقبیح نمودن آن می‌کنند! چنان‌چه وزارت خارجه ترکیه، امارات، اردن و مصر در بیانه‌های مطبوعاتی‌شان، عملیات مذکور در قدس را تقبیح نمودند!!

این تنها فلسطین نیست که حکام خائن از پشت به آن خنجر می‌زنند؛ بلکه اماکن پاک دیگری از خاک اسلام نیز هست که برای خوش‌خدمتی به باداران‌شان، تسلیم دشمن نموده اند! کشمیر را مشرکان هندو به دولت خود ملحق نمودند؛ در حالی‌که حکام پاکستان در برابر مهر سکوت بر لب زده اند! مسلمانان روهینگیا در میانمار "بورما" بی‌رحمانه سربریده می‌شوند، در حالی‌که انگار حکام بنگلهدیش خوابیده اند و چیزی را نمی‌بینند، ترکستان شرقی، که چین همواره در آن مرتکب کشتار وحشیانه‌ی می‌گردد، در حالی‌که دولت‌های موجود در سرزمین‌های مسلمانان به سان مردگان خاموشی اختیار نموده اند و اگر کسی از آنان هم سخنی بر لب آورد، این است که این مسئله داخلی چین است!

**(كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا...)** [کهف: 5]

ترجمه: این کلمه‌ای که از دهان‌شان بیرون می‌آید، تهمت بزرگی است و جز دروغ نمی‌گویند.

کفار استعمارگر به توهین‌هایی که در حق امت اسلامی روا می‌دارند، اکتفاء نکردند؛ بلکه به عقیده آنان نیز دست‌درازی می‌کنند؛ چنان‌چه پالودان بنیادگرا پس از آن‌که حکومت سویدن به او اجازه داد، به تاریخ 21 جنوری 2023م، دست به آتش زدن نسخه‌ای از قرآن کریم در برابر ساختمان سفارت ترکیه در استکهلم زد. سپس جنایت آتش‌زدن قرآن کریم در روز جمعه 27 جنوری 2023م در لاهه و کوپنهاگن نیز صورت گرفت. در واکنش؛ دیدیم که الأزهر از طریق یکی از نهادهایش سر بلند نمود و با بیانیه تند و تیز خویش، این اقدام را تقبیح نموده و خواستار توقف تلاش‌ها برای به بازی گرفتن مقدسات دینی گردید. شکی نیست که علمای ازهر به خوبی می‌دانند که پاسخ درست به آتش زدن قرآن کریم، این نیست که با الفاظ و کلمات تقبیح گردد؛ بلکه لازم است تا لشکرهای مسلمانان برای نصرت دادن به کتاب و دین الله حرکت داده شود؛ زیرا آتش زدن قرآن در حقیقت اعلان جنگ علیه امت اسلامی و عقیده آن بوده و پاسخ به آن نیز همانا راه‌اندازی جنگی است که لوزه بر اندام‌شان اندازد:

**(فَإِمَّا تَنْفِقْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ)** [انفال: 57]

ترجمه: پس (ای پیامبر!) هرگاه در جنگ به آنان دست‌یافتی، (با برخورد‌های قاطع) افراد پشت جبهه‌ی آنان را به وحشت افکنده و متفرق ساز، باشد که پند گیرند (و دست از توطئه بردارند).

ای مسلمانان! تجاوز به حریم مسلمانان نباید با سخنان خوش‌آب‌ورنگ و بی‌محتوایی پاسخ داده شود که هیچ دردی را دوا نمی‌کند؛ بلکه باید با لبه شمشیر و ضربه‌هایی به آنان پاسخ داده شود که وسوسه‌های شیطان را از یاد آنان ببرد! زمانی‌که مسلمانان خلافت داشتند، این چنین پاسخ می‌دادند! تاریخ شکوفای مان گویای روشن این ادعاست و واقعیت ثابتی است که هیچ صاحب بصیرت و بصارتی نمی‌تواند آن را انکار نماید. نمونه‌های چنین پاسخ‌هایی در تاریخ مسلمانان ثبت گردیده که می‌توان به کتاب‌های "البدایة و النهایة از ابن کثیر، فتوح البلدان از بلاذری، تاریخ ابن خلدون، تاریخ اسلام از ذهبی و منابع دیگری از این دست" مراجعه نمود. اینک بنده به بخشی از آن اشاره می‌کنم:

«- سپس سال 87 هجری فرا رسید و در این سال قتیبه بن مسلم به جنگ "پیکند" که از مربوطات بخاری بود، رفت. هنوز نیمه روز فرا نرسیده بود که نصرت الله فرا رسید. مرد یک چشمی در میان دشمن وجود داشت که مردم را علیه مسلمانان تحریک می‌نمود، وقتی او را اسیر کردند، گفت: پنج هزار لباس چینی به شما می‌دهد که هزاران هزار ارزش دارد و در ازای آن من را آزاد کنید؛ شماری از فرماندهان لشکر مسلمانان به قتیبه مشورت دادند که این پیشنهاد را بپذیرد؛ قتیبه گفت: نخیر!

قسم به الله که دیگر به تو فرصت نمی‌دهم تا بار دیگر مسلمانی را به وحشت بیندازی؛ سپس دستور داد سرش را از تنش جدا کنند.»

«سپس سال 90 هجری فرارسید... در این سال داهر حاکم سنده به کشتی که شماری از زنان مسلمان در آن بودند، هجوم برد و آنان را به اسارت گرفت؛ خلیفه به یکی از والیان خود پیام فرستاد که از آن ظالم انتقام بگیرد! محمد بن قاسم لشکری را به راه انداخت و آن زنان مسلمان را از چنگال او نجات داد و از آن حاکم ستمگر انتقام گرفت و سرزمین سنده را فتح نمود.»

«سپس سال 223 هجری فرا رسید و پادشاه روم به سرزمین مسلمانان هجوم برده و مردم منطقه زبطره را کشت و اسیر نمود. زنی فریاد زد "وامعتصماه" این فریاد آن زن به معتصم خلیفه مسلمانان رسید و او در پاسخ آن لیبیک گفت و لشکری را ترتیب داده و انتقام آن زن را گرفت. سپس پرسید: کدام یک از شهرهای روم بزرگتر است؟ گفتند: عموریة "نزدیک انقره"، سپس آن را فتح نمود.»

«سپس سال 582 هجری فرا رسید، در این سال ارنات فرمانروای کرک راه را در برابر قافلهمی بزرگی از حاجیان بست که از مصر می‌آمدند؛ شماری را کشت و شمار دیگری را اسیر گرفت. سلطان صلاح الدین آماده جنگ با او شد و سربازانی را فراخواند و هشدار داد که اگر دست‌اش به او برسد، او را خواهد کشت. سال 583 هـ بود که الله متعال در نیمه ماه ربیع الآخر و در جنگ سهم‌گینی او را در چنگ وی قرار داد. صلاح‌الدین او را به دلیل خیانت و بستن راه با دستان خودش به قتل رسانید. سپس در 27 رجب 583 هـ بود که آزادی اقصی نصیب‌اش گردید.»

«سپس در سال 1307 هـ موافق با 1890 م، مؤلف یک روایت به رسول الله افتراء نمود و سعی داشت این افترایش را در یکی از تئاترهای پاریس به نمایش بگذارد؛ زمانی‌که عبدالحمید، خلیفه مسلمانان از تصمیم وی آگاه شد، سفیر فرانسه در استانبول را فراخواند و در حالی‌که هدف‌مندانه لباس نظامی به تن کرده بود، هشدار داد که اگر این نمایش برگزار گردد، دولت عثمانی روابطش را با فرانسه قطع نموده، حالت جنگی به خود خواهد گرفت و با لهجه سختی خطاب به سفیر فرانسه گفت: "من خلیفه مسلمانان هستم، اگر دست از این نمایش برندارید، دنیا را بر سرتان ویران خواهم نمود." فرانسه فوراً عقب‌نشینی نمود و از آن نمایش جلوگیری نمود.»

کفار استعمارگر در آن زمان به خوبی می‌دانستند که هرگونه هتک حرمت به اسلام و مسلمانان با بریدن زبان و شکستن دست و پای‌شان پاسخ داده می‌شود؛ اما امروزه به قرآن کریم اهانت می‌شود، به رسول الله صلی الله علیه وسلم توهین و به سرزمین‌های مسلمانان تجاوز می‌شود و این اهانت‌ها، توهین‌ها و تجاوزها همچنان بی‌پاسخ می‌ماند! دلیل آن بدون شک همانا نبود پیشوایی برای مسلمانان است؛ خلیفه راشدی که سپر امت خویش در برابر دشمن قرار گیرد. در حدیث صحیح متفق علیه چنین گفته شده:

«إِنَّمَا الْإِمَامُ جُنَّةٌ، يُقَاتِلُ مِنْ وَرَائِهِ، وَيُتَّقَى بِهِ»

ترجمه: امام به سان سپری است که "مسلمانان" از پس آن می‌جنگند و به آن پناه می‌برند.

در پایان، روی سخنم با شماست، ای اهل قوت و قدرت! این تنها شماستید که می‌توان درد دل امت را در برابر دشمنان امت و دشمنان دین‌تان مرهم نهید! این تنها شماستید که می‌توانید طلسم این همه ذلت و خواری را که مسلمانان در سرزمین‌های خود به آن گیر مانده‌اند، در هم شکنید! پس بپا خیزید، این مسئولیت خویش را اداء کنید و الله به شما برکت دهد! به پا خیزید و به ما نصرت دهید! حزب‌التحریر را برای برپایی خلافت راشده نصرت دهید! این نصرت تنها از باب بیان واقعیت نیست؛ بلکه در درجه اول، یک فریضه عظیم است! کسی که توان برپایی خلافت و نصب خلیفه‌ای مستحق بیعت را داشته باشد و این کار را نکند، مرتکب گناه بزرگی شده و انگار با مرگ جاهلیت از دنیا رفته! این توصیف بیانگر شدت گناهی است که چنین کسی مرتکب می‌گردد! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

ترجمه: کسی که بدون بیعت بمیرد، به سان کسی است که در جاهلیت مرده باشد!

از جانب دیگر، می‌دانیم که مسلمانان قبل از آن که فریضه دفن پیکر مطهر رسول الله صلی الله علیه وسلم را اداء نمایند، به بیعت کردن با خلیفه‌اش پرداختند و دلیل آن همانا اهمیتی است که خلافت برای آنان داشت! همچنین می‌دانیم که عمر رضی الله عنه در روز وفات خویش برای انتخاب خلیفه پس از خود از میان شش تن از کسانی که بشارت جنت داشتند، سه روز فرصت تعیین نمود که نباید از آن فراتر رود و اگر کسی با خلیفه برگزیده شده در جریان این سه روز موافقت نکرد، باید کشته شود! عمر رضی الله عنه این تصمیم را در حضور اصحاب گرفت؛ اما هیچ یک از آنان با آن مخالفت نکردند؛ پس این تصمیم اجماع اصحاب بود. اما حالت ما را ببینید که "چه سه روزهای" زیادی بر ما گذشته و ما همچنان بدون خلیفه به سر می‌بریم! آری! برپایی خلافت امر بسی عظیم است!

ای لشکریان الله! ما همه می‌دانیم که برای برپایی خلافت هرگز از آسمان ملائکه‌ای فرود نخواهد آمد؛ اما اگر با جدیت برای برپایی خلافت کار کنیم، ملائکه‌های برای کمک برای ما فرود خواهند آمد؛ زیرا این وعده برحق است که در کتاب الله داده شده:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ [نور: 55]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد.

همچنین این بشارتی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم در یک حدیث داده که پس از حکومت‌های ظالمانه موجود فرامی‌رسد:

«...ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبُوَّةِ»

ترجمه: ... سپس حکومت‌ها جبری و ظالمانه‌ای خواهد بود و تا زمانی که الله بخواهد باقی خواهد ماند؛ سپس هرگاه بخواهد آن را بر می‌دارد؛ سپس خلافت بر منهج نبوت خواهد بود.

راوی می‌گوید که رسول الله پس از آن سکوت نمود. حدیث را احمد روایت نموده است.

همین‌گونه، ما می‌دانیم که دشمنان اسلام برپایی مجدد خلافت را مستحیل می‌دانند و با تمسخر، همان سخن گذشته‌گان خویش را تکرار می‌کنند که می‌گفتند: «عزّ هؤلاء دينهم؛ آنان را دین‌شان مغرور کرده»؛ اما چنان‌که این سخن تمسخرآمیز باردوش و بلای جان آنان گردید و الله متعال دین خود و اهل دین را نصرت داد. امروزه نیز این تمسخرهای آنان بلای جان آنان خواهد شد؛ زیرا الله عزیز و حکیم همواره با بنده‌گان مخلص‌اش می‌باشد؛ همان بندگانی که با جدیت به تلاش خستگی‌ناپذیر خویش ادامه می‌دهند و این فرموده الله متعال از دل‌ها و اعمال‌شان دور نمی‌شود که فرمود:

﴿إِنَّ اللَّهَ بِأَعْيُنِنَا قَدْ جَعَلْنَا لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ [طلاق: 3]

ترجمه: همانا الله کار خود را محقق می‌سازد. بدون شک، الله برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده است.

به خواست الله متعال آنان با گذشت هر روز به این "قدر" نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلٌّ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا﴾ [اسراء: 51]

ترجمه: و می‌گویند آن کی خواهد بود، بگو شاید که نزدیک باشد!

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته!

28 رجب 1444 ه.ق.

19 فبروری 2023 م.

برادرتان عطاء بن خليل ابوالرشته  
امير حزب التحرير  
مترجم: عبدالله دانشجو